



23 می 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

دست نویس اولین بیانیه محمد داود خان دربارهٔ اعلام جمهوریت به خط خودش

شب 26 سرطان 1352 ظاهراً یک شب آرام به نظر میرسید، اما در دل تاریکیها یک تحول مهم در کشور در حال وقوع بود. نیمه های آن شب صدای غرش چند تانک و بعد آواز چند فیر ثقیل در فضای شهر کابل طنین افکند که بزودی خاموش گردید. تا صبح زود کمتر کسی میدانست که در طول شب چه تغییری به وجود آمده است. تنها چیزی که توجه را جلب میکرد، همانا نغمه های اتن ملی و مارش های عسکری مثل روزهای جشن استقلال بود که متواتر از رادیو افغانستان پخش می شد و اینکار در روزهای عادی کاملاً غیرعادی بود. مردم بیصبرانه انتظار آنرا داشتند تا بدانند چه حادثه رخ داده است. ساعت 7 بجه و 20 دقیقه صبح پخش موسیقی دفعتاً قطع شد و مهدی ظفر- نطق رادیو اعلان کرد: «**اکنون سردار محمد داود بیانیه میدهد!**»

محمد داود در حالیکه به نطق گفت که: «**برادر دیگر مرا و هیچکس را سردار خطاب نکنید؛ سرداری برای همیشه از افغانستان رخت بسته است**»، رشته سخن را بدست گرفت و اولین بیانیهٔ خود را که بعداً در بین مردم به «**بیانیهٔ اعلام جمهوریت**» مسمی گردید، از روی دست نویس خودش که قبلاً تهیه کرده بود، ایراد کرد.

دوست دانشمند استاد محمد اعظم سیستانی در پایان مقالهٔ خویش منتشرهٔ این پورتال وزین (مورخ 20 ماه می) ضمن نشر متن این بیانیهٔ تاریخی با اقتباس از کتاب «تأسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان»، تألیف داکتر محمدحسن شرق چنین نوشتند: «در همان روزهای اول حدوث کودتای 26 سرطان متن بیانیهٔ خطاب به مردم داود خان در روزنامه های دولتی بخصوص انیس و اصلاح بطور فوتوکاپی (افسیت) به نشر رسیده است. هرگاه انتقاد بر متن همین بیانیه باشد، از آقای داکتر صاحب سیدعبدالله کاظم احتراماً تقاضا میشود تا لطف بکنند و متن بیانیهٔ خطاب به مردم را از روی روزنامه های دولتی که نزد شان موجود خواهد بود، سکن کرده مجدداً به نشر برسانند تا یک بار دیگر با کتابت آن شهید آن بیانیه را از نظر بگذرانیم. هرگاه کسی متن دیگری از این بیانیه را در اختیار داشته باشد که با این متن مغایرت داشته باشد و به نشر برساند، مایهٔ دلچسپی خواهد بود.»

اکنون به تاسی از تقاضای این دوست دانشمند متن دست نویس آن شهید را به خط خودش از کتاب «اسناد و نامه های تاریخی افغانستان» که توسط محترم شهرت ننگیال گردآوری و در سال 1377 به وسیلهٔ کتابخانه دانش در پشاور به چاپ رسیده است، سکن کرده خدمت تقدیم میدارم.

ناگفته نباید گذاشت که متن منتشره داکتر شرق از نظر محتوی تغییر ندارد، ولی از نظر نوشتاری با متن اصلی کمی متفاوت است، به این زعم که آقای شرق خواسته آنرا باشیوهٔ جدیدتر نوشتاری ارائه دارد، طور مثال شهید داود خان به سبک قدیم «بخرج» نوشته و داکتر شرق آنرا «به خرج» و یا «باین» را «به این»، «خاصه» را به «خصوصاً» و امثالهم تغییر داده است که از این قبیل و بعضی دیگر از همچو تغییرات در متن ایشان بسیار دیده میشود.

اینک متن دست نویس این بیانیه به خط خود شهید محمد داود خان :

ششم الر در صمد

خود را و برادران و عترت شریف
سینه در طول مدت مسئولتهای مختلف در خدمت
همیشه در جبهه‌های هدفی بردم که بر روی مردم افغانستان
مفوضات طبقات محروم و اکثر جوانان ملت ما
بکامیابیت و واقعیت‌های دشواری مادی و معنوی
مستمر بود و در آن همه ازاد وطن ما بدون هیچ
واسطه در برابر آتشی و عماران وطن هم شهم گرفته
و اعمالی مسئولیت‌ها نمیداد.

و در تمام این سالها و دشواریها و سختیها و رنجها و آزارها و
که نتوانم به تمام آنها به شکر و تحسین بپردازم
و شنیدن به چنین هدفی منتهی شدیم و در این
بر در صمد و مفوضات در ملک اینست ما بر عبادت

٢
 ما تم که از هم که تحمل نیست بیهوشی و افسوس را
 لغیرت که از اجاره دهه به نگر جوکان و کسان
 بصریت محبه دار شود و نای غرافی دار بجا می
 جویگر با کینه

نفس از وطن زین مراحل دست علی تراغ نه است که
 در وطن ما صفی به به نای لغرض مرسته ن به هدف
 فرق باز نگردد

من برای سعادت آتیه وطن فر فر مانم
 که حق یک دموکراسی واقعی و معقول به یک من از
 بر خیزد ~~این~~ ~~و~~ ~~بهم~~ به اکثریت مردم فغانستان
 بر آورد به را از نای تراغ نه است و ندارم
 به لغرض به هدف اصلی حق یک دفع لغرض
 تا این کامر حق مردم و اعزاف کامر به هر

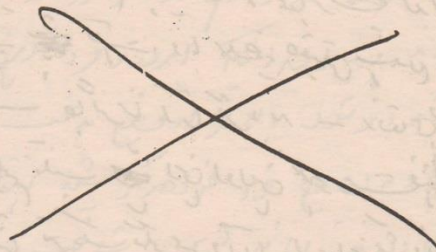


۳۷
 حاکم ملک که بنامه به هر مهر نون ۹۹
 یا پرتیب خلی وارد شود و
 این آرزوی مقدس بود که مرا که سال ۱۳۵۷
 مرد و تمام پشیمان آفرین خود را بفرستد پیش و
 تهنیت آنرا برای خود سعادت ملک تهنیت سال
 تمامم — آن آرزوی مقدس مرا به این بزرگوار
 ملک منم کرده و ~~خود~~ و مرا آن رفیقان
 ضعیف النفس بود در هر حدت و خوف در غایت
 گردید دست بست لب طردن که تغییر آن درین
 زحمت گونا گونا گس ندارد و در خدمت شما مدتی
 بعضی هموطنان غیر رشید فراموش
 به صورت نیت آن است که آن اسد ~~های~~
 درین و آن آرزوهای نیت بیک دیگر ~~کر~~

۵
 از وضعیت ما بر آنکه در سائر این فضا
 ویرانه و تاراج بر زده می شود و فوق و ملکات تقاضه
 ششم مادی و معنوی می شود هر نامه
 وطن پرستان در هوگو و در دنیا مملکت که برده
 این حالت رقت بار وطن فرسوده باید دنیا
 تأخیر و تألم نگذاشته و در قریب در وطن
 بودند مقرر ما در روز این در دراز و در شرف
 کردند و به این راه امروز و فردا این دستگاه
 باشد و زنگار باید فرار و وضع به تحت ملک
 بطلع و به اصبع فردا فرار و کرشمه این کار هر کس
 نخبه دودنه اما نمی دانست به تحت که در این
 بکلی بهما و در هم دستها در دست می نماند
 کردند که در این راه و انتقاری در این اصبع آن که
~~مملکت به هر تکیه~~ باقی نماند لذا همه وطن پرستان

۶
خامه اردوی وطن برکت فیاضان نعمت بخش
دگر به نفع نظام ما شد خامه داده شد در وطن نذر
وطن به کسب خمار - ~~دست~~ باید
هموطنان عزیز باید به رطوبت کسب برسانم به دیگران
نظام ندین و نظام به به کسب عبارت از نظام
عمر است ~~چون~~ است و با مدینه حقیق پس
مردین کسب جان نرنا را کرده - رفتی من
و من ز بیم تب ~~چون~~ این لولین هموست فیاضان
خود را به کسب ملک و دارا را برای شاد
و فرزندی افتادند و ملک فیاضان
مستور و سیمون بنوراهم
اردوی نذر ما برکت فیاضان به کسب و نذر
به کسب نفع و رفعت به کسب و نذر ملک

٧
 تين درم هميان بر طالع فر
 ديار ز تامين است و غط ماگرت
 بل فحالتان ترك موزع فراده برد
 نظم فوسن كجاست با خود فرورم كجا
 كفقر درون فرغ شيرت فوسن نشسته در آت
 نزديك اجمع هر كمان خير فراده رسته



٥٠
 ست چاڼې قباستان پياښه بولې، زه
 درنهان لای قباستان و قضاوت آزاد فر
 مردم قباستان استوار فرارده لور .
~~تدوین فراموشی مردم و ملل جهان~~

ست پین املی قباستان بر پیاښه تیات ملی
 کتور بر پیاښه مادی و معنوی مردم ما طبع کرید
 زه زوی ماسی و آرزو مای لای ملی ما بطور و لغت
 معلوم شود که بر آردن تیات ما بپیر زه هم فر
 به حل جهانی نیاز مذکرت هم کتور فرد درو
 حل گستر نتواند به آرزو ما ملی فر فریاد
 چون ما بپیر زه هم کس فر را نیاز مذکرت در
 اکثریت است فر میدانم بپیر زه هم کس فر ایمان
 حل و تسخیر جهان هستیم

۹
 زارینو با یو شمیر شینک نیاکان
 چې خپله وروستی با ډېر مردم و ملل چاڼ را
 درین آرزو دی هېڅکله تېسې درمرد
 کړ یا مردم چې خپله وروستی ډېر مردم
 نژدې د زړه ما وجود ندر د زړه اړانگه
 از نیکات مردم نیاکان سره چې ډېر
~~کله چې د زړه~~ غوږانه غوږی نیاکان را
 غوږانه شینک بیا ډېر واهت واهت
 استازو شنه واهت واهت
 کت که از شینک اړانگه ډېر نیاکان
 ناسته ډېر نیاکان
 با ډېر مردم نیاکان با ډول
 نیاکان با ډېر نیاکان ډېر نیاکان

د پانو شمیره: له 12 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ